



دوره سوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱

جلوه‌های جرایم علیه عدالت قضایی در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ (مطالعه موردی: مرحله کشف جرم)

ابراهیم قربانی^{۱*}، سجاد عباسی^۲، علی براهیمی آغبلاغ^۳

۱. دکتری تخصصی حقوق کیفری جزا و جرم‌شناسی.

۲. کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دادستان دادرسی نظامی مه‌آباد.

۳. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی.

چکیده

یکی از خواست‌ها و آمال مشترک انسانیت، عدالت و دادرسی است. عدالتی که اصحاب دعوی در راستای طرح دعوی مختلف، از مراجع ذیصلاح قضایی انتظار تحقق آن را دارند. دادرسی عادلانه و رفتار منصفانه از سوی مقام‌ها و مراجع قضایی به هیچ‌وجه به معنای در نظر گرفتن طرفین دعوی نخواهد بود و این ارفاق غیرمنطقی و عقلائی به متهم یا بزه‌دیده نیست، بلکه بدین معناست که جامعه به این حد از عقلانیت و توانایی رسیده که هدف غایی و نهایی از تصویب قوانین را که همانا ایجاد عدالت و توسعه آن و پاسداری از حقوق طرفین دعوی باشد، درک کرده است و حاضر به تمکین از نادیده انگاشتن حقوق طرفین دعوی که به معنای پیروی از دادرسی‌های ناعادلانه است، نمی‌باشد. بدیهی است هر عملی که به قصد اخلال در روند اجرای عدالت قضایی صورت گیرد و این قابلیت را داشته باشد که تحقق عدالت قضایی را ناممکن سازد و یا موجب انحراف دادرسی گردد، جرم علیه عدالت قضایی محسوب می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که اگرچه مقنن ایرانی همانند سایر مجموعه قوانین کیفری در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به صورت دقیق، صریح و مستقل از عنوان رفتارهای علیه عدالت قضایی اسم نبرده است، اما با مطالعه آن قانون محرز می‌شود که در مراحل مختلف رسیدگی - از جمله مرحله کشف جرم - به آن پرداخته است. از باب تمثیل می‌توان به تعقیب یا بازداشت غیرقانونی، منع آگاهی به موقع متهم از ادله اتهام انتسابی، اطلاع از حق دسترسی متهم به وکیل، رعایت حریم خصوصی شهروندان و احترام به حیثیت آنان اشاره کرد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۳-۶۱

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۷۸۷X-۳۳۳۳-۳۳۳۳-۳۳۳۳-۳۳۳۳-۳۳۳۳-۳۳۳۳-۳۳۳۳-۳۳۳۳-۳۳۳۳

تلفن: ۰۹۸۹۱۴۴۴۴۴۴۴۴۰

ایمیل: ghorbani9@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

عدالت قضایی، قانون آئین دادرسی

کیفری ۱۳۹۲، کشف جرم، عدالت.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

۱- مقدمه

به جرأت می‌توان ابراز داشت که یکی از مهم‌ترین اهداف قانون-گذاری در هر نظام حقوقی بعد از تدوین و تصویب قوانین، اجرای عدالت و احقاق حق، در مقام قضاوت و دادرسی است، که از آن به «عدالت قضایی» تعبیر می‌شود. با این وجود همواره در مسیر اجرای عدالت، موانعی وجود داشته که نه تنها موجب انحراف مسیر عدالت قضایی بوده، بلکه سبب گسترش هرچومرج، بی‌اعتمادی مردم نسبت به دستگاه قضایی، رواج انتقام خصوصی و موارد متعدد دیگر شده است. از این رو مقنن برای جلوگیری از به وجود آمدن این موانع و حاکمیت عدالت قضایی در جامعه، دست به جرم‌انگاری این موانع زده و برای مرتکبان این اعمال، مجازات‌هایی را در لابه‌لای قوانین مختلف کیفری تعیین کرده است. اصل مصلحت عمومی، اصل ضرر و اصل اجرای عدالت از مهم‌ترین مبانی و اصولی است که می‌توان در توجیه جرم‌انگاری این دسته از جرایم به آن استناد نمود. همچنین قصد ایجاد اختلال در روند اجرای عدالت قضایی را می‌توان به عنوان معیار و ضابطه تشخیص این جرایم معرفی کرد.

بررسی و بازنگری اوراق تاریخ بیانگر این امر مهم است که عدالت آرزوی تمامی انسان‌ها و به عنوان یکی از اصول و ارزش‌های عالی آن‌ها قلمداد شده که جدای از ادیان و شرایع گوناگون، در نظام‌های مختلف حقوقی و اسناد مهم بین‌المللی (از جمله کنوانسیون مقابله با فساد (مریدا مصوب ۲۰۰۳) در ماده ۱۵، اساسنامه دادگاه جنایی بین‌المللی رم (مصوب ۱۹۹۸) در مواد ۷۰ و ۷۱ و کنوانسیون پالمو (مصوب ۲۰۰۱) در ماده ۲۳ هم بر رعایت و کرامت آن تأکید شده است. عدالت قضایی یعنی رسیدگی منصفانه، بی‌طرفانه و ضابطه‌مند به دعوی و تظلمات و جرایم توسط مقامات قضایی (پروینی، ۱۳۸۸: ۲۲).

به بیان دیگر، به معنای تأمین حقوق مکتسبه افراد و برخورداری آن‌ها از حقوق واحد در رسیدگی قضایی و اعمال قانون واحد در جامعه است (ذاکر، ۱۳۹۱: ۱۶۶). به طور کلی جرایم علیه عدالت قضایی، اختصاص به فعل یا ترک فعلی دارد که به گونه‌ای مانع تحقق عدالت قضایی در جامعه می‌شوند (کوشا، ۱۳۸۱: ۱۴).

پیشرفت و پیشبرد جوامع در عرصه‌های مختلف، سبب ظهور جرایم نوظهور (جرایم علیه محیط‌زیست، جرایم اقتصادی و...) شده که این جرایم خارج از تقسیم‌بندی کلاسیک، مطرح و متداول حقوق کیفری اختصاصی هستند (گلدوزیان، ۱۳۸۲: ۳۹) و جزء جرایم حقوق جزای خاص (فنی) می‌باشند (بیگی، ۱۳۹۹:

۹) و اهمیت فوق‌العاده و چشمگیر آن و تأثیر این جرایم در اجرای عدالت و دادرسی، می‌طلبد که در یک عنوان مستقل با عنوان «جرایم علیه عدالت قضایی» در مجموعه قوانین کیفری مورد بررسی قرار گیرند.

قانون آئین دادرسی کیفری یکی از مهم‌ترین قوانین پایه‌ای و اساسی هر کشوری بوده که بخش مهمی از نظم عمومی کیفری و عدالت کیفری از طریق این قانون اجرا می‌شود. بالطبع در راستای اجرای آن امکان عدول از مقررات از سوی متهم، بزه‌دیده، شهود، مراجع و مقامات ذی‌ربط و حتی اشخاص خارج از پرونده وجود داشته و چه بسا در این بین اشخاصی مرتکب جرایمی شوند که در روند اجرای عدالت اختلال ایجاد می‌کنند و همین مسأله موجب تحقق جرایم علیه عدالت قضایی شوند. نظر به تعریف ماده یک قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ از آئین دادرسی کیفری و اشاره به مراحل مختلف دادرسی، می‌توان گفت مرحله کشف جرم یکی از مراحل مهم و کلیدی در رسیدگی‌های کیفری به شمار می‌آید که دقت و موشکافی در این مرحله، مهم و با ارزش تلقی می‌شود و سستی و اغماض در آن، موجب عدم کشف قضیه و بزه شده و همین مسأله سبب تحقق جرایم علیه عدالت قضایی می‌شوند. از این رو با توجه به مسائل مذکور، به دنبال دست‌یابی به این پرسش اساسی هستیم که ارتکاب کدام رفتار یا رفتارها در مرحله کشف جرم در قانون جدید آئین دادرسی کیفری به عنوان مصادیق جرایم علیه عدالت قضایی محسوب می‌شوند؟ و اساساً دلیل جرم‌انگاشتن این قبیل رفتارها در مرحله کشف جرم چیست؟

۲- موضع نظام حقوقی ایران در قبال جرایم علیه عدالت قضایی

پرواضح است که جرایم علیه اجرای عدالت قضایی، اگرچه عنوان جدید در قوانین کیفری کشورهای مختلف در سده حاضر است و اگر هم خلاف آن باشد، حداقل در گفتارهای حقوقی و نظریات دکترین به کار برده می‌شود. اما در حقیقت این عبارت سابقه‌ای کهن در قوانین مختلف داشته و غالب کشورها از گذشته‌های دور به جرم‌انگاری آن دسته از رفتارها و اقداماتی که وجود آن‌ها به معنای اختلال در رسیدن قضات به حقیقت بوده، اقدام کرده‌اند. عدالت مقصد نهایی تمامی قوانین است و اگرچه در لفظ زیباست، اما در عمل و اجرا بسیار سنگین می‌باشد و ظلم اگرچه در واژه زشت است، اما در عمل سهل و

بنابراین ما در ذیل به بررسی مصادیق رفتارهایی که سبب تحقق جرایم علیه عدالت قضایی در مرحله کشف جرم می‌شوند، می‌پردازیم.

۱-۳- تعقیب یا مجرم تلقی نمودن یا بازداشت غیرقانونی

اصل برائت که می‌توان آن را میراث مشترک حقوقی همه ملل متمدنی جهان محسوب کرد، در یکی دو قرن اخیر و به‌طور خاص پس از جنگ جهانی دوم مورد اقبال و عنایت خاص حقوقدانان و قانون‌گذاران در حقوق داخلی کشورها و نیز موضوع اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های مختلفی قرار گرفته (آشوری، ۱۳۷۲: ۴۰) و مضمون آن این است که مقام تعقیب، وظیفه اثبات تمام عناصر یک اتهام را ماورای شک و تردید معقول برعهده دارد و در واقع یک اصل مقدس قانونی است علاوه بر آنکه تأثیر گسترده‌ای بر تحقق عدالت قضایی و رعایت حقوق بشر داشته، موجب می‌شود که شخص را نسبت به اتهام یا جرمی که به ارتکاب آن در مظان اتهام قرار گرفته است، بی‌گناه تلقی کرد.

بدیهی است که تحقیق و رسیدگی درباره یک جرم، مستلزم کشف آن می‌باشد و برای کشف جرم ممکن است افرادی تحت نظر قرار گیرند، مورد بازرسی واقع شوند و از نظر هویت کنترل گردند. یکی از آثار اصل برائت این است که با افراد تا اثبات جرم در یک دادگاه صالح، مانند سایر شهروندان برخورد شود (مظاهری‌تهرانی، ۱۳۸۸: ۱۰۰). بنابراین توقیف و تفتیش اشخاص، مغایر با اصل برائت است و باید تابع تشریفات خاصی باشد. اصل منع توقیف اشخاص در اعلامیه‌های جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر نیز مورد شناسایی قرار گرفته است. ماده ۱۹۴۹ اعلام می‌دارد: «احدی نمی‌تواند خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید شود.» همچنین این اعلامیه در ماده ۳۰ خود اعلام می‌دارد: «هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.» می‌دانیم که یکی از لوازم داشتن آزادی و امنیت شخصی، منع بازرسی‌های بدنی، توقیف و عدم کنترل هویت اشخاص است و منع بازرسی و تجسس در ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است: «احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هرکس حق دارد که در مقابل این‌گونه مداخلات و حملات، مورد حمایت قرار گیرد.» همچنین ماده ۱۳ اعلامیه اعلام می‌دارد که: «هرکس حق دارد

راهی برای رسیدن سریع به خواست‌های نابه‌جاست (پاشا صالح، ۱۳۸۳: ۹۳). در حقوق ایران نیز اگرچه در قوانین کیفری به‌صورت مستقل به جرایم عدالت قضایی پرداخته نشده، ولی مقنن از این امر مهم هم غافل نبوده و در لابه‌لای قوانین، با در نظر گرفتن موادی به کیفر اشخاصی که در راه برقراری عدالت و اجرای آن در مراحل مختلف دادرسی و از جمله کشف جرم مانع ایجاد می‌کنند، اشاره نموده است. به‌طور کلی قانون‌گذار سعی بر آن داشته تا بدین طریق رفتارهایی را که موجب تحقق جرایم علیه عدالت قضایی می‌شوند شناسایی و ضمانت‌های اجرایی لازم را هم برای اشخاصی که مرتکب این قبیل رفتارها می‌شوند، در نظر بگیرد.

۳- بررسی مصادیق جرایم علیه عدالت قضایی ناظر بر مرحله کشف جرم در قانون آئین دادرسی کیفری

یکی از مراحل مهم در دادرسی‌های کیفری به معنی اعم کلمه، مرحله کشف جرم است. کشف جرم یکی از مراحل مهمی است که در همه جوامع جهانی به آن اهمیت داده می‌شود؛ چراکه اگر جرمی کشف نشود و مجرم بتواند عمل مجرمانه خود را مخفی نگه دارد، عدالت قضایی از بین رفته و کم‌کم جرایم پنهان جامعه را فرا می‌گیرد. بنابراین این مرحله است که سرنوشت قضایی متهم را تعیین می‌کند و ممکن است او را از تعقیب کیفری معاف سازد یا به پای میز محاکمه بکشاند (رضوی و خزایی، ۱۳۸۶: ۸۹). در مورد اهمیت آئین دادرسی بسیاری از نظام‌های حقوقی دنیا مانند نظام حقوقی عرفی، بر این عقیده استوار هستند که برای دستیابی به عدالت قضایی، به قاضی فقط آئین دادرسی بیاموزید، او خود راه‌حل عادلانه را فرا خواهد گرفت (اعتدال، ۱۳۷۷: ۲).

در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ به این مرحله مهم بیش از پیش اهمیت داده شده و قانون‌گذار همانند سابق در فکر القای این تفکر مهم بوده که چرخه عدالت کیفری با کشف دقیق جرایم به حرکت درخواهد آمد (آخوندی، ۱۳۸۰: ۵۳) و از این رو ما باید سعی بر آن داشته باشیم که با بررسی دقیق، ضابطه‌مند و بدون اغماض به کشف جرایم و حقیقت‌پسندیم تا عدالت قضایی در جامعه به‌نحو احسن تحقق و چرخه عدالت تا نتیجه نهایی که یا به مجازات مجرم و یا برائت متهم می‌انجامد، بدون دلیل قانونی و مشروع از حرکت باز نماند و چنانچه شخص یا اشخاصی مانع این امر مهم شوند، مرتکب جرایم علیه عدالت قضایی شده و باید به مجازات قانونی برسند.

آورند، لیکن نمی‌توانند متهم را در بازداشت نگه دارند و چنانچه در جرایم مشهود، بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله به صورت کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حق ندارند متهم را بیش از ۲۴ ساعت تحت نظر داشته باشند. اگر خلاف این امر اثبات گردد و آن‌ها هریک از موارد مذکور در ماده مزبور را انجام ندهند و یا وی را بیش از ۲۴ ساعت بازداشت کنند، سبب تحقق جرایم علیه عدالت قضایی شده و قانون‌گذار ضمانت اجرایی چنین عملی را در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی^۶ ۱۳۷۵ مشخص کرده است.

۲-۳- منع آگاهی فوری متهم از ادله اتهام انتسابی

آگاهی متهم از موضوع و دلایل اتهام یکی از مهم‌ترین تضمینات حقوق دفاعی متهم در تمام مراحل رسیدگی‌های کیفری به‌شمار می‌رود و علاوه بر اینکه تقریباً در تمام اسناد حقوق بشری چه بین‌المللی و چه منطقه‌ای بر شناسایی چنین حقی تأکید شده است (اردبیلی، ۱۳۸۵: ۴۲)، حقوق داخلی کشورمان نیز به‌صراحت در قوانین مدون خویش به رعایت آن پرداخته است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۳۳^۷ اشعار داشته که دستگیری اشخاص بدون حکم و رعایت مقررات قانونی ممنوع می‌باشد و در واقع جرم تلقی شده است و اگر هم مقامات و مراجع ذی‌ربط نسبت به بازداشت اشخاصی با عنوان متهم اقدام کردند، باید به‌سرعت موضوع اتهام و دلایل آن به شخص مجلوب ابلاغ شود. مفاد ماده پنج قانون آئین دادرسی کیفری جدید^۸ هم بیانگر این امر مهم می‌باشد، بدین معنی که اگر در مرحله‌ی کشف جرم شخصی بنا به دلایلی بازداشت شود باید فوراً دلیل آن به وی اعلام گردد، در غیر این

که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید.» براساس اصل ۳۷ قانون اساسی^۱ کشورمان اصل بر برائت اشخاص می‌باشد و طبق اصل ۲۲ همان قانون^۲ «حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص مصون از تعرض است» و مطابق اصل ۳۲ قانون مزبور^۳ هیچ‌کس را مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند نمی‌توان دستگیر کرد. مقنن در ماده چهار قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲^۴، مبانی اصول متعالی قانون اساسی را مجدداً در یک قانون شکلی مورد تأکید قرار داده است و باز بنا را بر برائت متهم قرار داده و اقدامات خودسرانه و بدون وجود دلیل یا حکم قانونی را که منجر به سلب آزادی اشخاص می‌شود، منع نموده است. چه‌بسا در بسیاری از موارد مراجع انتظامی یا سایر مقامات و مراجع ذی‌ربط در مرحله کشف جرم و در راستای اثبات ارتکاب جرم، اقدام به بازداشت غیرقانونی اشخاصی کنند که همین عمل موجب عدم تحقق عدالت قضایی و تحقق جرایم علیه عدالت قضایی شود. همچنین براساس ماده ۴۶ همین قانون^۵، ضابطان در صورت نقص تحقیقات، مکلف‌اند به‌دستور مقام قضایی تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم به‌عمل

۱- اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود».

۲- اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند».

۳- اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست‌و‌چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود».

۴- ماده چهار قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضائی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به‌گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند».

۵- ماده ۴۶ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «ضابطان دادگستری مکلف‌اند نتیجه اقدامات خود را فوری به دادستان اطلاع دهند. چنانچه دادستان اقدامات انجام‌شده را کافی نداند، می‌تواند تکمیل آن را بخواهد. در این صورت، ضابطان باید طبق دستور دادستان تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم و تکمیل تحقیقات به‌عمل آورند، اما نمی‌توانند متهم را تحت‌نظر نگه دارند. چنانچه در جرایم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به‌طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. درهرحال، ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست‌و‌چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند».

۶- ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی: «هریک از مقامات و مأموران دولتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم کند، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی، به حبس از شش‌ماه تا سه‌سال محکوم خواهد شد».

۷- اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست‌و‌چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود».

۸- ماده ۵ قانون آئین دادرسی کیفری جدید: «متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود».

آگاهی متهم از موازین قانونی و حقوقی حضور شخصی با اطلاعات و تجارب حقوقی در جهت رفع اتهامات ناروا علیه متهم را در مرحله حساسی همچون کشف جرم به‌طور اعم و بازجویی‌ها به‌طور اخص الزامی می‌کند؛ چراکه ضابطان دادگستری در این مرحله دارای اختیارات وسیعی هستند و حضور وکیل متهم نه‌تنها از سوءاستفاده مأموران از اختیارات خود در جمع‌آوری دلایل غیراصولی علیه متهم بی‌گناه و ناآگاه از قانون جلوگیری می‌کند، بلکه مانع از اظهارات ناسنجیده متهم علیه خود نسبت به موضوع جرم می‌شود (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۶۳: ۴۴۶، به نقل از باقری‌نسب، ۱۳۹۳).

قانون آئین دادرسی کیفری جدید در ماده پنج مقرر داشته است که متهم علاوه‌بر اینکه در اسرع وقت از ادله انتسابی اتهام خویش مطلع شود، باید از حق دسترسی به وکیل نیز آگاه گردد. به‌نظر می‌رسد مقنن، آگاه کردن شخص متهم را از سوی مراجع و مقامات ذی‌ربط و مرتبط با مرحله کشف جرم ضروری و الزامی دانسته است؛ چراکه عدم انجام این اوامر به‌منزله محروم ساختن وی از حقوق بنیادین وی در قانون اساسی بوده و مرتکب باید وفق ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی به مجازات مقرر محکوم شود.

۳-۴- قبول نکردن شکایت کتبی یا شفاهی شاکی از سوی ضابطان دادگستری

قانون اساسی در اصل ۳۴^۲ به دادخواهی به‌عنوان حق مسلم هر شخص نگاه کرده و تأکید بر قبول شکایت و دعاوی مردم در مراجع مختلف ذی‌صلاح داشته است و به‌تبع آن قانون آئین دادرسی کیفری جدید هم در ماده ۳۷^۳ خود، ضابطان دادگستری را مکلف نموده که در تمامی اوقات شکایت مردم را چه به‌صورت کتبی و چه به‌صورت شفاهی را قبول کنند. نگاه قانون آئین دادرسی کیفری جدید نگاه درست و به‌جایی است،

صورت عمل ارتكابی هم‌طراز است با محرومیت شخص از حقوق مقرر در قانون اساسی و این به‌منزله تحقق جرایم علیه عدالت قضایی خواهد بود و مرتکب یا مرتکبان وفق ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی، مجازات خواهند شد.

۳-۳- حق دسترسی متهم به وکیل

اصل تساوی سلاح‌ها در مراحل مختلف دادرسی و از جمله لحظه کشف جرم ایجاب می‌کند که وکیل از آن مرحله در کنار متهم بوده تا با تسلط و بررسی دقیق موضوع به دفاع از متهم در مقابل دادستان و سایر مقامات بپردازد. چه‌بسا اگر وکیل از مرحله کشف در جریان پرونده باشد، جلوی بسیاری از موارد نادیده انگاشتن حقوق متهم گرفته شود و ممانعت ایجاد نماید در حادث شدن جرایم علیه عدالت قضایی.

در قوانین داخلی کشورمان در اصل ۳۵ قانون اساسی^۱ گفته شده انتخاب وکیل برای متهمان در تمامی دادگاه‌ها الزامی است و اگر متهم توانایی برای انتخاب کردن وکیل را نداشته باشد، باید سازوکار لازم برای آن مهیا شود. بر همگان هویداست که قانون اساسی برترین قانون می‌باشد و هیچ‌یک از قوانین و مقررات نباید در تضاد با آن باشد. این اصل عام است و در مورد همه دادگاه‌ها صادق می‌باشد. تفاوتی بین دادگاه‌های عمومی و اختصاصی و دادگاه‌های حقوقی و کیفری وجود ندارد و تفاوتی هم بین محکومان عادی و محکومان جرایم علیه امنیت ملی و به اصطلاح عامه مردم مجرمان سیاسی نیست. همه متهمان باید حق دسترسی به وکیل را داشته باشند. این حق به‌دلیل اهمیت آن در بند سه ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ نیز مورد تأکید قرار گرفته و بیان شده است که: «محاکم و دادرها مکلفاند حق دفاع متهمان و مشتکی‌عنه‌هم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.»

از وکیل و قاضی به‌عنوان دو فرشته عدالت یاد می‌شود، زیرا وکیل به قاضی برای کشف حقیقت کمک می‌کند و همچنین به متهم برای دفاع از حقوق خود یاری می‌رساند. بنابراین حضور وکیل در تمامی مراحل دادرسی الزامی به‌نظر می‌رسد به‌خصوص در دادگاه‌های کیفری که حیثیت و جان و آبروی افراد در میان است و حضور وکیل ضروری‌تر است. ضعف

۲- اصل ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به‌منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع کند. همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به‌موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد.»

۳- ماده ۳۷ قانون آئین دادرسی کیفری جدید: «ضابطان دادگستری موظفاند شکایت کتبی یا شفاهی را همه‌وقت قبول نمایند. شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به‌امضای شاکی می‌رسد، اگر شاکی نتواند امضاء کند یا سواد نداشته باشد، مراتب در صورت مجلس قید و انطباق شکایت شفاهی با مندرجات صورت مجلس تصدیق می‌شود. ضابطان دادگستری مکلفاند پس از دریافت شکایت، به شاکی رسید تحویل دهند و به فوریت پرونده را نزد دادستان ارسال کنند.»

۱- اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «در همه دادگاه‌ها، طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم شود.»

اطلاعات هویتی شهود حاضر در پرونده اقدام کند و متهم در این زمینه با سازوکارهای مختلف از تطمیع گرفته تا تهدید، شهود را راضی کند که حاضر به ادای شهادت نباشد، مجرم تلقی شده است و اتهام وی می‌تواند اخلال در اجرای عدالت قضایی باشد و براساس ماده ۶۳ همین قانون مجازات شود.

۳-۶- عدم ثبت اظهارات شخص تحت نظر و علت و زمان آن در دفتر خاص

مقنن برابر مفاد ماده ۵۳ قانون آئین دادرسی کیفری جدید^۲، ضابطان دادگستری را مکلف کرده که در هر صورت جهت تحقق عدالت قضایی، تمام اظهارات شخص متهم و دلیل تحت نظر بودن وی را با تمام جزئیات مانند: تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی و زمان استراحت، زمان و ایام حاضر کردن وی در نزد مقام قضایی را به صورت دقیق در دفتر مخصوصی که باید برای چنین مواردی در نظر گرفته شده است، ثبت کنند. همان‌گونه که انجام چنین مواردی به دادرسی عادلانه کمک شایانی می‌کند، عدم انجام آن نیز سبب لطمه زدن به جریان و پروسه دادرسی عادلانه خواهد شد. از این رو اشخاصی که خلاف این مقررات عمل نمایند مجرم تلقی خواهند شد و طبق ماده ۶۳ همین قانون به کیفر قانونی خواهند رسید.

۳-۷- عدم انجام اقدامات لازم جهت حفظ آلات، ادوات، آثار و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم

کیفیت جمع‌آوری دلایل، به‌عنوان وسایلی که قانوناً بتوانند وجود یا عدم وجود یک واقعه و صحت یا عدم صحت یک موضوع را مورد تأیید قرا دهند، از مهم‌ترین مسائل آئین دادرسی کیفری در حقوق تمامی کشورها است. در واقع هیچ‌گاه بدون وجود دلیل نمی‌توان انتساب اتهام را احراز کرد و در نتیجه به اعمال کیفر پرداخت (گلدوزیان، ۱۳۶۵). حفظ آلات و ادوات جرم از جمله مسائل بسیار مهمی است که باید به دقت مورد توجه مقامات قضایی و ضابطان دادگستری قرار گیرد؛ زیرا کوچک‌ترین مسامحه در جمع‌آوری ادله و کشف جرم موجبات تحقق جرایم علیه عدالت قضایی را فراهم می‌کند.

چهبسا اگر غیر از این باشد امکان دارد بسیاری از جرایم کشف نشده و متهم یا متهمان به مجازات قانونی خویش نرسند. به‌رحال با توجه به اینکه یکی از راه‌های کشف جرایم، شکایت شاکی است. ضابطان مکلف به پذیرش شکایت وی هستند و اگر هم در این بین شخصی از ضابطان خلاف این اصل مهم و بارزش را انجام دهد، بالطبع در مسیر اجرای عدالت قضایی اخلال ایجاد کرده و بر همین اساس وفق مفاد ماده ۶۳ همین قانون^۱ به دلیل ارتکاب جرایم علیه عدالت قضایی به مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

۳-۵- افشای اطلاعات هویتی و اقامتی بزه‌دیده، شهود، مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده

یکی از نوآوری‌های قانون آئین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ مربوط به حمایت‌های منطقی و عقلایی از بزه‌دیده و شهود در مقابل متهم پرونده است. در ادوار قدیم در بسیاری از موارد جرایم مختلف هیچ‌گاه کشف نشده و به‌بوته فراموشی سپرده می‌شدند. یکی از آن دلایل که تأثیر به‌سزایی هم درخصوص مخفی ماندن جرم مورد نظر داشت، این بود که اغلب بزه‌دیده از ترس متهم هیچ‌گاه به طرح دعوی اقدام نمی‌نمود و بدین‌سان جرم ارتكابی هم کشف نمی‌شد و یا اگر هم در مواردی بزه‌دیده اقدام به طرح شکایت می‌کرد و ادله اثبات ارتکاب عمل مجرمانه توسط متهم، تنها شهادت شهود بود. به دلیل عدم حمایت‌های قانونی، شهود حاضر به ادای شهادت نمی‌شدند و بدین‌سان جرم مورد نظر ثابت نمی‌شد.

قانون آئین دادرسی کیفری با تصویب ماده ۴۰^۲ و در نظر گرفتن جنبه‌های حمایتی از بزه‌دیده، شهود و حتی سایر افراد مرتبط با پرونده به این مسأله پایان داده است و بدین‌شکل جهت برقراری و اجرای عدالت قضایی همه افراد و به‌خصوص ضابطان دادگستری را مکلف به حفظ اطلاعات هویتی و اقامتی قربانی جرم، شهود و مطلعان نموده است و عدم انجام این عمل را هم‌طراز با تحقق جرایم علیه عدالت قضایی دانسته است. از این رو اگر یکی از اعضای ضابطان دادگستری نسبت به افشای

۱- ماده ۶۳ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «تخلف از مقررات مواد (۳۰)، (۳۳)، (۳۵)، (۳۷)، (۳۸)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۱)، (۴۲)، (۴۹)، (۵۱)، (۵۲)، (۵۳)، (۵۵)، (۵۹) و (۱۴۱) این قانون توسط ضابطان، موجب محکومیت به سه‌ماه تا یک‌سال انفصال از خدمات دولتی است».

۲- ماده ۴۰ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است».

۳- ماده ۵۳ قانون آئین دادرسی کیفری جدید: «ضابطان دادگستری مکلفاند اظهارات شخص تحت نظر، علت تحت نظر بودن، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی و تاریخ و ساعتی را که شخص نزد قاضی معرفی شده است را در صورت مجلس قید کنند و آن را به امضاء یا اثر انگشت او برسانند. ضابطان همچنین مکلفاند تاریخ و ساعت آغاز و پایان تحت نظر بودن را در دفتر خاصی ثبت و ضبط کنند».

اطلاعات و دستیابی به فناوری‌های نوین، مباحث دقیقی مطرح شده است. رعایت حریم خصوصی متهم و عدم دخالت در امور داخلی او [لازم است] و کنکاش در مورد مسائلی که با جرم ارتباطی ندارند و یا سوابقی از فرد که اطلاع از آن‌ها به‌عنوان اهرم فشار علیه او محسوب می‌شود، در قوانین نهی شده است (محسنی، ۱۳۸۶: ۱۷۲). اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۲، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۱۷ و اعلامیه اسلامی حقوق بشر در بند ب ماده ۱۸، متفقاً تجاوز به حریم خصوصی افراد را ممنوع اعلام کرده‌اند (رحمتی، ۱۳۸۴: ۱۵).

در قوانین موضوعه ایران هم بر ضرورت احترام به حریم خصوصی و حیثیت افراد تأکید شده است. در این خصوص برای می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: اصل ۲۲ قانون اساسی ابراز داشته است: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند». اصل ۳۹ قانون اساسی مقرر داشته: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به‌ر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است». بندهای ۴ و ۸ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، بازرسی‌ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم باید با رعایت مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی-

مورد آن‌ها خودداری شود. مواد ۵۵ و ۵۶ قانون آئین دادرسی کیفری^۳ مصوب ۱۳۹۲ هم به این موضوعات مهم و خطیر اشاره و تأکید نموده که هر متهمی حق دارد بداند که هیچ‌یک از ضابطان دادگستری بدون مجوز قضایی و بدون رعایت ترتیبات قانونی مجاز نیستند وارد منزل او شده و آنجا را بازرسی و تفتیش کنند و اگر هم قرار است این عملیات را انجام بدهند، نخست با اجازه موردی مقام قضایی باشد و دوم از

در قوانین مختلف و به‌خصوص قانون آئین دادرسی کیفری جدید به لزوم انجام اقدامات لازم جهت حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم اشاره شده است و قانون‌گذار در ماده ۴۴ قانون مذکور^۱، ضابطان را مکلف کرده است به‌محض اطلاع از وقوع جرم در جرایم غیرمشهود، مراتب را به دادستان اطلاع بدهند و سپس اقدامات لازم را با دستور ایشان انجام بدهند و در جرایم مشهود هر اقدامی که لازم به‌نظر می‌رسد، باید برای حفظ دلایل ارتکاب جرم و فرار متهم انجام بدهند. از این‌رو کوتاهی کردن در این زمینه یا فراهم کردن شرایط لازم برای فرار متهم یا منهدم کردن آلات و ادوات ارتکاب جرم کمک قابل‌توجهی است به تحقق جرایم علیه عدالت قضایی. به‌همین خاطر است که قانون‌گذار ضمانت اجرایی برای شخصی که مرتکب چنین عملی می‌شود را در ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی^۲ پیش‌بینی کرده است.

۸-۳- نقض حریم خصوصی شهروندان و احترام به حیثیت آنان

حق خلوت اشخاص و اصل تعرض‌ناپذیری حریم خصوصی آن‌ها ایجاب می‌کند که جز در ضرورت‌های مرتبط با اجرای عدالت قضایی، حریم خصوصی افراد مورد تعرض قرار نگیرد و حتی در این موارد ضروری هم، ضوابط و تشریفات قانونی به دقت رعایت شود (هاشمی‌شاه‌رودی، ۱۳۸۶: ۳۳). امروزه رعایت حریم خصوصی از مباحث بسیار مهم حقوقی است که کشورهای مختلف در قوانین خود به آن اهتمام ورزیده‌اند. البته در مورد مرزهای آن به‌ویژه با توجه به نام‌گذاری عصر

۱- ماده ۴۴ قانون آئین دادرسی کیفری جدید: «ضابطان دادگستری به‌محض اطلاع از وقوع جرم، در جرائم غیرمشهود مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورهای لازم به دادستان اعلام می‌کنند و دادستان نیز پس از بررسی لازم، دستور ادامه تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب اتخاذ می‌کند. ضابطان دادگستری درباره جرائم مشهود، تمام اقدامات لازم را به‌منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به‌عمل می‌آورند، تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به‌دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند. همچنین چنانچه شاهد یا مطلع در صحنه وقوع جرم حضور داشته باشد؛ اسم، نشانی، شماره تلفن و سایر مشخصات ایشان را اخذ و در پرونده درج می‌کنند. ضابطان دادگستری در اجرای این ماده و ذیل ماده (۴۶) این قانون فقط در صورتی می‌توانند متهم را بازداشت کنند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد.

۲- ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی: «هرکس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مساعدت کند از قبیل اینکه برای او منزل تهیه کند یا ادله جرم را مخفی نماید یا برای تبرئه مجرم ادله جعلی ابراز کند، حسب مورد به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد».

۳- ماده ۵۵ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۹۲: «ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرائم غیرمشهود با اجازه موردی مقام قضایی است، هر چند وی اجرای تحقیقات را به‌طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد».

ماده ۵۶ همان قانون: «ضابطان دادگستری مکلفند طبق مجوز صادره عمل نمایند و از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکانهای غیرمرتبط با موضوع خودداری کنند».

است. متخلف از این مقررات که به‌نحوی شرایط و ضوابط عدالت قضایی را نادیده می‌گیرد، به مجازات مقرر در ماده ۶۳ قانون مذکور محکوم می‌شود.

۴- نتیجه‌گیری

عدالت قضایی، یعنی رعایت اصول و مقررات از لحظه کشف جرم تا مرحله اجرا و پس از آن، هم جهت تأمین و حفظ حقوق مکتسبه اشخاص و هم جهت رسیدگی‌های منصفانه و ضابطه‌مند. بالطبع ضرورت عدالت و عدالت‌گستری به‌عنوان یکی از نیازهای جوامع تلقی شده و غالب دولت‌ها هم با رعایت هرچه بهتر قوانین و پایبندی به اصول و موازین حقوق بشری سعی داشته‌اند در راستای برقراری آن تلاش کنند. طبیعی است که در این زمینه عده‌ای هم در داخل سیستم قضایی و هم خارج سیستم به‌دلایل متعدد به تخلف و تخطی آن قوانین بپردازند و بدین‌شکل با عدم رعایت قوانین، آن ارزش مقدس اجتماعی را زیر پا بگذارند و جلوی اجرای آن را بگیرند و در واقع در مسیر اجرای قوانین خلل ایجاد نمایند تا عدالت به‌نحو دقیق اجرا نشده و بدین‌نحو سبب تحقق جرایم علیه عدالت شوند. جرایم علیه عدالت قضایی در طبقه‌بندی سنتی حقوق کیفری اختصاصی جایگاهی ندارند و جزء حقوق جزای خاص (فنی) هستند و این قابلیت را دارند که مسیر اجرای عدالت توسط مجریان قانون را منحرف سازند.

مرحله کشف جرم یکی از مراحل مهم و کلیدی در رسیدگی‌های کیفری به‌شمار می‌آید که دقت و موشکافی در این مرحله مهم و با ارزش تلقی می‌شود؛ چراکه سستی و اغماض در آن موجب عدم کشف قضیه و بزه شده و همین مسأله سبب تحقق جرایم عدالت قضایی می‌شوند. قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ هرگونه رفتاری را در مرحله کشف جرم چه از سوی ضابطان دادگستری، مقامات قضایی، سایر اشخاص و مراجع دیگر که موجب اخلال در اجرای عدالت قضایی می‌شود به‌عنوان مصادیقی از آن شناخته و اغلب ضمانت اجرایی آن‌ها را در ماده ۶۳ خود معین کرده است.

به‌نظر می‌رسد که دلیل جرم‌انگاری این قبیل رفتارها از سوی قانون‌گذار در قانون جدید آئین دادرسی کیفری و آن هم در مرحله کشف جرم این باشد که به اهمیت این مرحله اشاره نماید و محرز کند که زیربنای شروع و رسیدگی به یک بزه و پرونده از مرحله کشف جرم آغاز می‌شود. از این‌رو در این زمینه هر چقدر دقیق و حساس باشیم، به‌همان اندازه امکان تحقق

بازرسی اشخاص، اشیاء و مکان‌های غیرمرتبط با موضوع خودداری نمایند. تخلف از این موارد با مجازات ماده ۶۳ قانون آئین دادرسی کیفری روبه‌رو خواهد شد. از طرف دیگر مقنن در قانون مجازات اسلامی اصل را بر رعایت حریم خصوصی اشخاص قرار داده است و نقض آن را مشمول ماده ۵۸۰ قانون مذکور قرار داده است.

۹-۳- شماره‌گذاری نکردن اوراق بازجویی و سایر مدارک موجود در پرونده

یکی دیگر از مواردی که در قانون آئین دادرسی کیفری جدید به آن اشاره شده است، مسأله شماره‌گذاری اوراق موجود در پرونده می‌باشد که این اوراق هم می‌تواند برگه‌های بازجویی باشد و هم مدارک تحویلی از سوی شاکی و یا متهم جهت اثبات بی‌گناهی خویش؛ چراکه خیلی از اوقات یک برگ می‌تواند نتیجه دادرسی را به‌نفع یکی از طرفین دعوا تغییر دهد. به‌رحال ارتکاب چنین عملی، عمدی و با سوءنیت می‌تواند سبب مختل کردن جریان دادرسی شود و جرم علیه عدالت قضایی تحقق پیدا کند و مرتکب چنین عملی وفق ماده ۶۳ به مجازات قانونی خواهد رسید.

۱۰-۳- عدم تفهیم مکتوب حقوق مندرج در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

قانون‌گذار در ماده ۵۲ قانون آئین دادرسی کیفری جدید^۲ اظهار داشته است اگر شخصی در راستای کشف جرم تحت‌نظر قرار گرفت، ضابطان مکلف‌اند تمام حقوق مندرج در این قانون را به‌صورت مکتوب به وی تفهیم و رسید دریافت کنند و ضمیمه پرونده شود. این ماده یکی از نوآوری‌های قانون جدید می‌باشد که در راستای برقراری دادرسی عادلانه و اجرای عدالت قضایی

۱- ماده ۵۸۰- هریک از مستخدمان و مأموران قضایی یا غیرقضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد، بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود، به حبس از یک‌ماه تا یک‌سال محکوم خواهد شد، مگر اینکه ثابت نماید به امر یکی از رؤسای خود که صلاحیت حکم را داشته است مکروه به اطاعت امر او بوده، اقدام کرده است که در این صورت مجازات مزبور در حق امر اجرا خواهد شد و اگر مرتکب یا سبب وقوع جرم دیگری نیز باشد، مجازات آن را نیز خواهد دید و چنانچه این عمل در شب واقع شود، مرتکب یا امر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

۲- ماده ۵۲ قانون آئین دادرسی کیفری: «هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلف‌اند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به‌صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند.»

- پروینی، علی (۱۳۸۸). «جرایم علیه عدالت قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی». *پیام آموزش*. (۴۰): ۳۵-۲۱.

- ذاکر، حمید (۱۳۹۱). «بند ۱ ماده ۱۱ قانون شوراها و تأثیر آن بر توسعه عدالت قضایی». *تعالی حقوق*. سال چهارم، (۱۷)-۱۶: ۱۶۵-۱۷۷.

- رحمتی، حسین (۱۳۸۴). *حقوق شهروندی*. چاپ اول. قم: نشر نگین.

- رضوی، محمد و خزایی، سیدعلی (۱۳۸۶). «حقوق شهروندی در فرایند کشف جرم». *فصلنامه دانش انتظامی*. سال نهم. (۶): ۸۵-۱۰۸.

- کوشا، جعفر (۱۳۸۱). *جرایم علیه عدالت قضایی*. تهران: نشر میزان.

- گلدوزیان، ایرج (۱۳۶۵). «کیفیت تحصیل دلیل در حقوق جزای فرانسه». *نشریه حق*. دوره پنجم.

- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۲). *حقوق جزای اختصاصی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- محسنی، فرید (۱۳۸۶). «گفتمان سیاست جنایی قانون‌گذار در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳». *مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی*. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.

- مظاهری‌تهرانی، مسعود (۱۳۸۸). «جایگاه اصل برائت در نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی حقوق بشر». *پیام آموزش*. (۳۷): ۱۱۳-۹۹.

- هاشمی‌شاهرودی، آیت‌الله سیدمحمد (۱۳۸۶). «شهروندمحوری در عرصه عدالت دکتربین آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی». *مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی*. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات.

دادرسی عادلانه وجود دارد. بنابراین نمی‌توان نسبت به مرحله کشف جرم بی‌اعتنا بود، بنابراین رعایت ضوابط، شرایط و مقررات قانونی در این مرحله اگر بیش‌تر از سایر مراحل نباشد، حداقل با آن هم‌طرزی می‌کند و چه‌بسا زمینه تحقق بسیاری از جرایم علیه عدالت قضایی هم در این مرحله شکل بگیرد.

ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

تقدیر و تشکر

از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارد.

سهم نویسندگان

نگارش این مقاله بر اساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تضاد منافع

این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

منابع و مأخذ

- آخوندی، محمود (۱۳۸۰). *آئین دادرسی کیفری*. جلد نخست. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- آشوری، محمد (۱۳۷۲). «اصل برائت و آثار آن در امور کیفری (مطالعه تطبیقی)». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*. (۲۹): ۷۲-۳۹.

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۵). «تفهیم اتهام یا حق اطلاع از موضوع و دلایل اتهام». *مجله تحقیقات حقوقی*. (۴۳): ۹۴-۵۹.

- اعتدال، محمد (۱۳۷۷). *آئین دادرسی کیفری در نظام نوین قضایی ایران*. شیراز: انتشارات نوید شیراز.

- باقری‌نسب، تکتم (۱۳۹۳). *حق متهم در برخورداری از وکیل براساس نوآوری‌های قانون آئین دادرسی جدید، ابهامات قانونی و خلأهای اجرایی آن*. قابل دسترسی در سایت: www.vekalat.org

- بیگی، جمال (۱۳۹۹). *تقریرات درس حقوق کیفری اختصاصی یک*. دوره دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.

- پاشا صالح، علی (۱۳۸۳). *سرگذشت قانون (مباحثی از تاریخ حقوق، دورنمایی از روزگاران پیشین تا امروز)*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.



Crimes against Judicial Justice in the Criminal Procedure Code 2013 (Case Study: Stage of Crime Discovery)

Ebrahim Ghorbani^{1*}, Sajad Abasi², Ali Ebrahimi Agbolag³

1. Ph.D of Criminal Law and Criminology.

2. M.A in Private law, Prosecutor of Mahabad Military Prosecutor Office.

3. M.A in Private Law.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 53-61

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-4303-787X

TELL: 098 9144442440

Email: ghorbani9@yahoo.com

Article history:

Received: 1 Jul 2022

Revised: 25 Agu 2022

Accepted: 20 Sep 2022

Published online: 23 Sep 2022

Keywords:

Judicial Justice, Criminal Procedure Law 2013, Crime Detection, Justice.

ABSTRACT

one of the common aspirations and humanity, justice and justness. That justice cannot claim in line with different proceedings, judicial authorities, waiting for the realization of it. a fair trial and fair treatment of the official and judicial authorities in no way means considering litigants and the leniency irrational and rational charged with a crime or not seen , but also means that society in this limit the ability of rationality and that the ultimate goal of the final and the approval of the legislation ,which is the creation of the Justice and Development and protect the rights of the pleadings , understands and refused to yield of ignoring the rights of the parties that are meant to follow the trial of unfair,don't .Obviously any action which was intended to disrupt the process of implementation of the judicial justice and the capability to the realization of justice or corruption trial, is considered a crime against justice of the present study suggests that although Iranian legislators , as well as other criminal code in the criminal procedure code adopted by the 1392 to accurately , explicit and independent of the crimes against justice , but did not name is studying the law can be in various stages of handling - including the crime - discovery phase .Bob parable of May-power to the principle of innocence, the principle of timely awareness of evidence of alleged charges,accused the right of access to lawyers, privacy citizens and respect for their dignity and pointed out.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Ghorbani, E; Abasi, S & Ebrahimi Agbolag, A (2022). "Crimes against Judicial Justice in the Criminal Procedure Code 2013 (Case Study: Stage of Crime Discovery)". *Journal of Contemporary Legal Thought*, 3(3): 53-61.